

بسمه تعالی

خودشناسی دکتر غفرانی

جلسه ششم

در جلسه پیش گفتیم که آیاتی داریم که بدترین و خوبترین انسانها را نشان می دهد اولین آیه سوره اسری سبحان الذی اسری به عبده لیلا با توجه به کلمه عبد من دیدم وجودم و توانائیم ومتعلقاتی که دارم ذاتی من نیستند اینها را همیشه نداشتم همه تاریخ دارند و من فقط صاحب آنها هستیم پس برای من دو احتمال وجود دارد احتمال اول وجود من استعدادها و توانائیهای من از یک خالق مقتدر باشد یا ازخودم باشد یا تصادفی اگر از خداست عاقلانه مطیعش بشوم و بشوم عبد ا...

حالت دوم اینکه وجود متعلقات من تصادفی است و حیثیت من فقط مادی و طبیعی است در این صورت باید عاجزانه اسیر و عبید دنیا باشم .

در حالت اول اگر عبدا... بشوم من من در برابر عظمت من خدا فانی می شود . درست مثل قطره ای که در دریا می افتد اون حباب خوش از بین می رود که چیزی هم نبود آنرا فنا گویند این من من هم از بین می رود اما درحالت دوم می خواهم من خود حفظ کنم در عالم کثرات می افتم و دائما درگیر می شوم درحالت اول هر اتفاقی می افتد چشم من بیناتر می شود یاد این می افتم که مال خدا هستم تمام حوادث ما را مشتاقتر بسوی خودش می خواند پیامبر می فرماید مومن راحت نمی شود الا در ملاقات خدا –

ما هر چیزی را بر اساس سه مبنا ارزش گذاری می کنیم مثل طلا و الماس به خاطر خلوصش یا بر اساس انتصاب مثل شمشیر حضرت علی (ع) یا بر اساس نیاز مثل زمانیکه جایی بخواهیم برویم یک راننده را می بینیم می گوئیم هر چقدر بخواهی می دهم مرا به مقصد برسان اینکه ما نیازمندیم من خودم را چگونه ارزیابی کنم مهمترین صفت برای من چیه بهترین انتصاب و نیاز من چیه ؟ پاسخ سوال اول اینکه قدر و منزل و ارزش خود را بدم از خالقم بخواهم در این صورت صفت من می شود عبدا...نیاز من می شود عشق به خدا

حالت دوم که قدر خودم را ارزش و منزلت خودم را از مخلوق بخواهیم از وسایلم از آنها عزت بگیرم چون همه مخلوقات طفیلی اند وابسته محدود و فانی اند و مخلوقند و چون فقط خدا حی و قیوم و باقی و مقتدر و مظهر کمال و جمال است پس با ارزشترین صفت عبودیت است گرانبهاترین انتصاب عبدا...بودن بالاترین مرتبه کمال عبادت و بندگی است

ما خلقت جن و انس ال لیعبدوا

و ما شهادت می دهیم که پیامبر خاتم به این چنین مقام رسیدند عبد شدن چون عبد شدند خداوند این عبد خود را شبانه به معراج برد و غیب را تمامه بر او مکشوف کرد اگر از خد بشویم همه چیز از ما می شود اما اگر از خدا رو برگردونیم همه چیز از ما روبر می گرداند به عبارت دیگر حسابرسی انسان و مهمترین صفت و نسبت به نیاز من به استناد آید

و الوزن یومئذ الحق

روز قیامت چیه وزن دارد فقط حق است که ارزش دارد پس مهمترین نسبت حق طلبی حق خواهی و رعایت حق است که سه تا باهم می شود بندگی من یا

بنده عظم باشم یا بنده هوای نفسم باشم یعنی جذابیت‌های بیرون که دلم هوس آنها را کرده است حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه

گرامی بدار خودت را از هر کسی هر چیزی که از بیرون حواس تو را جلب خودش می‌کند حتی اگر سوق بدهد تو را به خواسته هایت

لילה الرغائب یعنی شب خواسته ها

فانک لن تعتاز من نفسک عوضا

تو حتما نمی‌توانی برای خودت هیچ معادی پیدا کنی

و لا تکن عبد غیرک

بنده غیر از خودت نباش هیچ چیز در بیرون هم ارزش تونیست قرار ده زمان کمی یا حق یا باطل

یک لحظه وقت دارید حق را گزینش کنید در غیر اینصورت باید عواقب آنرا بپذیرید

آیه ۱۰۰ سوره یونس می‌فرماید ما رجس را به کسی می‌دهیم به کسی که به عقلش رجوع نمی‌کند

و لیجعلوا الرجس علی الذین لا یعقلون

آیه ۲۲ سوره انفال

پیامبر اکرم می‌فرمایند : بهترین نعمت عقل است نعمت اندک از خدا بهتر از این است که از غیر خدا باشد هر چند که همه چیز از اوست

من باید عاقلانه و آگاهانه از خودم بپرسم وقتی بدنیا آمدم چی از خودم داشتم ؟
وقتی بدنیا آمدم علم قرآن داشتیم

الرحمن علم القرآن خلق الانسان

اول تعلیم بوده اول نفس من را تعلیم داد بعد ما را به دنیا آورد ما قبل از تولد
خلیفه الله بودیم فی احسن تقویم بودیم من مسجود ملائکه بودم

وقتی بدنیا آمدم چی نداشتم ؟ من نداشتم نوزاد که بدنیا می آید من ندارد من به
او می گوئیم این لباس این وسائل مال توست و او تو را به من تعبیر می کند
بچه ای که در روستا بدنیا می آید من کوچکتری از بچه شهری پولدار دارد هر
چه که به او دهید من او را بزرگ می کنید در سوره انسان می گوید هل اتی
انسان حین من الدهر

می گوید قابل ذکر نبودید شمائید که او را نامگذاری می کنید او که نمی فهمد
اسم را شما برای او گذاشتید پس من در معرض آزمایش الهی هستم یا نه ؟ خدا
چی آزمایشی از من چی می خواهد بفهمد من علم و کرامت را ابراز می کنم
یا نه ؟ من هیچ چیز ندارم می روم انکار می کنم ازدانشگاه مدرک می گیرم
می آیم من جدید برای خودم کسب می کنم با اینکه من متعلقات خودم افتخار
می کنم یا من خدایی خودم پس من دو تا من دارم دو تا خود دارید به خود
خدایی خود افتخار می کنید به این خودی که ماشین و خونه و چی وچی افتخار
می کنید

ما هر لحظه خود را امتحان می کنیم بعد آیه ۳ می فرماید:

انا هدیناه السبیل اما شاکرا اما کفورا

وقتی ما اراده خود را قوی نکرده اراده خدا را تجلی ندهیم به تکامل نمی رسیم و به ذلت می رسیم اما من با تعلق و ترکیب با طبیعت با دنیا من داره و مشرک می شوم قدر من حق من من داریم شاکر از حق عدول نمی کند مشرک چون من داره دچار خود خواهی می شود و از لیاقتم برای بازگشت به سوی خدا غافل شدم و وقتی استغنی پیدا کردم بی نیاز می شوم از عظم از خود خدائیم غافل می شوم که باید بروم و مسافرم

ان الی ربک رجعی

اگر در عالم خالق بمانیم به لقاء نمی رسیم

از کجا معلوم است که کافر یا شاکرم کافر مجبور است با عبادالمصلین مبارزه کند آنها با آدمهائی که عبادت می کنند مشکل دارند کافر با بندگی مشکل دارد

مومنین برای هیچکس مزاحمت ندارند آدم کافر که خودش را بی نیاز می بینند نمی تواند با عبد با عباد درگیر نباشد اولین کسیکه پایش را روی عقلش گذاشت که بود ابلیس بود وقتی پا گذاشت سرتا پا عداوتش پایان پذیر نیست آدم شاکر با نماز از تعلقاتش جدا می شود به جایی می رسد که هیچ چیز نمی بیند پس آزمون من می شود یا حق پوشی است یا حق طلب است حق پوش باشم می شوم کافر حق طلب باشم می شوم شاکر می شوم عبد می شوم .

کافر در آخرت چگونه است ؟ اسیر تعلقاتش است

انا اعتدنا للکافرین ثلاثا اغلالا

اگر در دنیا اسیر غل و زنجیرند . در آخرت هم همینطور شاکر کجاست
ان الابرار یشربون من کاس کان فراجها کافورا

عین یشربون بها عبادا مزاجها کافورا

دائما از چشمه می نوشند یوفون بالندز یخافون عبد آنست که به نذرش وفا کند
چهارمین سوال : عباد .. کجاشون عبد شده ؟ عبد فقط زبانش تسبیح نمی گوید
جانماز آب نمی کشد

عبد یعنی خالص شده از منیت غرور تک روی خودسری کنار گذاشته یعنی
یک پارچه شده

سبحان الذی اسری به عبده

اگر من نیز به مقام بندگی برسم از آن من پیله ای خودم را با نماز از خودم
جدا کنم میتوانم مهمان آسمان بشوم یا نه می توانم محرم و بیننده آیات خاص
الهی بشوم و می توانم فلهم به الهامات الهی بشم حتما می شوم پس امید است
که خدا مرا هم به شب پیمائی و عبور از ظلمات حجابها نائل کند

این سوره فقط برای پیامبر نیست برای ما هم هست و مومن دائما باید ملهم
باشد ما دو من داریم یک من دنیایی و روز برای رسیدن من دنیایی است و
شب را خدا برای فعالیت های روحانی و تامین آرامش و غذای معنوی ما گذاشته
و جعل لیل لباسا

زن و شوهر هم لباس هم هستند خداوند گفته ازدواج کنید تا چه بشوید لتسکنوا

شب را قرار دادیم تا در آن به آرامش برسید شب را برای ثبات شما قرار دادیم نه برای خواب کمی از آنرا برای خواب قرار دادیم شبها را برای مناجات قرار دادیم پس اوج تکامل و تحول و تعالی من در بندگی و نماز است و در شب و شب بهترین زمان برای خودسازی و تقویت عقلانیت بلوغ قیام و استقامت من است و من المسجد الاحرام الی المسجد الاقصی

معراج از کجا شروع شد الی مسجد دور

لازمه بندگی من چیه ؟

اولا سجده است سجده یعنی چه یعنی اوج ترک منیت و بالاترین درجه خلوص ساجد چه می کند سجده یعنی خالص شدن و خالی شدن از من یعنی انقلاب درون علیه فرعون درون

امام صادق می فرمایند: خوشا بحال کسی که موسی درویش بر فرعون درویش پیروز شود .

لازمه بندگی من توجه به مسجد است تاریخ بشر از کجا شروع وقتی آدم به زمین آمد چه خواست از خدا بیت خواست کعبه را آدم ساخت بعدا خراب شد توسط ابراهیم و اسماعیل بازسازی شد که به نقطه عطف رسید یک پدر و پسر دیگری حضرت داود و سلیمان قدس مسجد الاقصی را ساختند از زمان حضرت ابراهیم جریان نبوت دو شاخه شد نبوت بین حضرت اسحق و یعقوب و فرزندان و یک شاخه از ابراهیم و اسماعیل پیامبر خاتم شدند آنها در مسجد الاقصی و حضرت محمد ص در مکه و مسجد الاحرام به ظهور رسید این سجده و مسجد و تاریخ بشر کی به اوج خود می رسد و قتیکه تا آخرین

محبت خدا ظهور کند تاریخ بشر به کمال می رسد از مکه شروع میشود و در مسجد الاقصی تاریخ بشر به اوج خود می رسد من با توجه به قبول بندگی با توجه به قبله عبدا...یا عبید دنیا می شوم من زمانی جزء ابرار می شوم

- ۱- ایمان داشته باشم ۲- مالم را به خاطر خدا بدهم ۳- اقامه نماز ۴- زکات پرداخت کنم ۵- عهدم وفا کنم ۶- صبور باشم به پنج چیز ایمان داشته باشم .
- ۱- خدا ۲- آخرت ۳- ملائکه ۴- کتاب ۵- پیامبر